

بازخوانی مبانی کیفر «تشهیر» از منظر فقه امامیه

سید ابوطالب علوی^۱

چکیده

تشهیر یکی از انواع مجازات‌های تعزیری است که به اعتقاد بسیاری از فقها مجازات اصلی جرم شهادت زور است و از نظر مشهور فقها در مورد مجرمین قاذف، قواد، کلاهبردار، مدّلس و مفّلس هم اجرا می‌شود. هرچند، در موارد و کیفیت اجرای تشهیر بین فقها اختلاف نظرهایی نیز دیده می‌شود. این نوع مجازت در قوانین موضوعه کشورها نیز جایگاه دارد. امروزه دو سؤال مهم در این زمینه مطرح است: نخست این که، آیا می‌توان مجازات تشهیر را غیر از جرائم ذکرشده در نصوص فقهی، برای جرائم دیگر از جمله جرائم نوظهور نیز استفاده نمود؟ دوم: آیا در تشهیر مجرم قالب سنتی آن موضوعیت دارد؟ بررسی این موضوع از آن جهت ضروری می‌نماید که در برخی رویکردهای افراطی تحمیل این نوع مجازات گاهی بر اندک تخلف شهروندان تجویز می‌شود. لازم است مطابقت رفتارهای مزبور با موازین فقه بررسی شود. به منظور دسترسی به پاسخ سؤالات فوق، بر اساس روش تحلیلی توصیفی، متعاقب مفهوم شناسی تشهیر در فقه، بیان موارد، فلسفه و کیفیت اجرای تشهیر، دیدگاه فقها و مبانی فقهی آنان از منظر امامیه تحلیل ده به این نتیجه دست می‌یابد که هرچند مجازات تشهیر در غالب مصادیق آن، مجازات تعزیری است. اما در حکم به مجازات تشهیر، نمی‌توان از دایره‌ای احتیاط خارج شد و آن را در موضوعات جدید نیز سرایت داد. هرچند که در همان موارد منصوصه برای اجرای تشهیر بهره‌گیری از قالب‌های نو منعی ندارد. در صورت ایجاب مصلحت می‌توان از قالب‌های قدیمی عبور کرد.

کلیدواژه: تشهیر، مصلحت، مدیریت خطر، پیشگیری وضعی، شهادت کذب، کرامت انسانی.

۱. مدرس مدرسه علمیه جعفریه هرات و کارشناسی ارشد علوم قرآنی.

مقدمه

مجازات مجرمین به منظور تأمین و حفظ ارزش‌های اجتماع از دیرباز امر حتمی و ضروری تلقی می‌شود. هرچند انتخاب نوع مجازات به مقتضای ارزش مورد حمایت و اهداف و ویژگی‌های آن متنوع و مختلف بوده است. در عصر کنونی علاوه بر اهداف مجازات، تعادل میان صیانت از حقوق فردی و حفظ ارزش‌های اجتماعی رسالت مهم نظام عدالت کیفری شمرده می‌شود. امروزه این مهم، اجرای برخی از مجازات‌ها را به تردید مواجه ساخته است. حیثیت اشخاص حتی بزه‌کاران، ایجاب می‌کند از افشای هویت و محکومیت آنان خودداری شود در مقابل، معرفی برخی از مجرمین و افشای هویت و محکومیت آنان، لازمه استقرار امنیت و گاه مؤثرترین راه مبارزه با جرم و اقدام پیشگیرانه تلقی می‌شود. «تشهیر» و یا اعلان مجرم و جرم از گزاره‌هایی است که هم در فقه و هم در حقوق موضوعه مورد شناسایی قرار گرفته است. ممنوعیت خدشه به حیثیت انسانی بزه‌کار اجرای تشهیر را با چالش مواجه می‌سازد. اما با توجه به خطر و ضرری که از ناشناخته بودن مجرمین به اجتماع وارد می‌گردد ایجاب می‌کند هویت آنان افشا و خطر آنان دفع شود.

عنوان «تشهیر» در حقوق کیفری اسلام گاهی مجازات اصلی و در بسیاری از مصادیق مجازات تکمیلی شمرده شده است. اما در هر دو صورت ماهیتاً مجازات تعزیری است. فلسفه‌ای که شناسایی آن را در فقه توجیه می‌کند دفع خطر و پیشگیری از جرائم مجرمان خاص در آینده است. از نگاه فقه، پنهان ماندن هویت اصلی برخی از مجرمان منجر به قربانی شدن بیشتر افراد می‌شود. در مواردی که تعامل مردم بر اساس اعتماد و باور به شخصیت افراد است، زمینه‌ای بزه دیدگی و سوءاستفاده افزون‌تر می‌شود. از این جهت مجازات تشهیر در مواردی مشاهده می‌شود که از حقوق مردم سوءاستفاده شده است.

در این تحقیق جایگاه کیفر تشهیر در فقه امامیه و حقوق موضوعه همچنین مبانی فقهی و حقوقی آن بررسی و تحلیل شده، پس از آن به پاسخ این سؤال پرداخته خواهد شد که آیا می‌توان کیفر تشهیر را در غیر موارد مصرح در فقه به خصوص در جرائم



نوپدید گسترش داد؟ بررسی سؤال مزبور از آن رو اهمیت دارد که در برخی رویکردهای افراطی تحمیل این نوع مجازات گاهی در اندک خلائی نیز تجویز می‌شود. بازخوانی مبانی فقهی تشهیر ما را به رویکرد اعتدالی انتخاب تضمین‌های کیفری حقوق و ارزش‌ها به خصوص تضمین کیفری تشهیر مساعدت خواهد کرد.

۱. مفهوم شناسی

«تشهیر» مصدر باب «تفعیل» کلمه عربی از ریشه «شَهَرَ» است که در لغت به معنای «مشهور کردن» و «واضح کردن» و «اظهار» آمده است (جوهری، ۱۹۹۰ م، ج ۲: ۷۰۵). از این جهت در ابتدای هر ماه که هلال ماه ظاهر و آشکار می‌شود به هلال ماه نیز در عربی «شهر» گفته می‌شود (ابن فارس، ۱۳۸۷: ۵۱۰). مؤلف لسان العرب آورده است که «مراد از تشهیر، نشان دادن شیء (رفتار) زشت به مردم به قصد مفتضح کردن و رسواکردن فرد زشت‌کار یا آشکار شدن چیزی قبیح است تا آن حد که مردم آن را بشناسند» (ابن منظور، ۱۴۲۶ ق، ج ۲: ۲۱۱۰). یکی از کلمات نزدیک به تشهیر اعلام است. این کلمه به معنای إشعار و آگاه‌سازی است (فراهیدی، ۱۴۱۴ ق، ج ۲: ۱۲۷۶). البته نه برای هرگونه آگاه‌سازی و اطلاع‌رسانی بلکه برای «خبررسانی سریع» مورد استفاده قرار می‌گیرد (اصفهانی، ۱۳۸۴: ۵۸۰). با توجه به آنچه مطرح شد، واژه اعلام معانی عام دارد و در صورتی هم‌ردیف «تشهیر» به حساب می‌آید که این واژه به تنهایی به کار برده نشده بلکه «اعلام مجرم» به کار رود.

برخی از فقیهان به جای عنوان «تشهیر» مجرم از عنوان «إطافه» استفاده نموده‌اند. این کلمه مصدر باب افعال و از ریشه «طوف» به معنای گرداندن خود و یا چیزی دیگر برگرد یک «شیء» هست (فیومی، ۱۹۸۷ م: ۱۴۴). از آنجای که در گذشته تشهیر مجرم‌مان به شیوه إطافه و گرداندن آن‌ها در بین عموم مردم صورت می‌پذیرفته است، از این واژه به جای «تشهیر» استفاده شده است. اما امروزه راه اجرای تشهیر تنها إطافه و گرداندن در شهر نیست. بلکه روش‌های مختلفی برای این منظور به وجود آمده است.

تشهیر به عنوان یک اصطلاح فقهی، در ابواب مختلف به کار رفته است. به عنوان نمونه تشهیر حَجَر محجور، تشهیر سلاح، تشهیر امر عقد ازدواج، تشهیر و علنی کردن اجرای مجازات و.. بدین ترتیب «تشهیر» در فقه معنای عام دارد که عبارت است از اعلام عمومی و نشان دادن یک موضوع، یا چیزی و یا فردی به عموم مردم. در واقع فقها همان معنای لغوی را بدون کدام تغییر در اصطلاحات فقهی به کار گرفته‌اند (شاهرودی، ۱۳۸۲، ج ۱۳: ۲۷۶). در مباحث کیفری تشهیر یکی از ضمانت اجرای مهم برای رفتار مجرمانه به حساب می‌آید: «تشهیر عبارت است از اعلان مجازات مجرم و ندا دادن به گناه او در برابر مردم بالأخص در جرائمی که در آن‌ها به عنوان امین مردم به مجرم اعتماد می‌شود تا او را بشناسند و از او دوری نمایند» (عوده، ۱۳۱۴ ق: ۷۰۴). چنان‌که صاحب جواهر در تعریف تشهیر می‌نویسد: تشهیر عبارت است از «اطلاع رسانی حال مجرم به عموم مردم» (نجفی، ۱۳۶۷، ج ۴۱: ۴۰۳). بنابراین، عنوان «تشهیر مجرم» اصطلاح ویژه حقوق کیفری اسلام است که بیانگر نوع خاصی از ضمانت اجرا و واکنش کیفری نسبت به جرائم خاص می‌باشد.

۲. مجاری تشهیر در فقه امامیه

اصل کلی آن است که نشر و افشاء اسرار، عیوب و گناهان دیگران از منظر اسلامی ممنوع و خود جرم و گناه تلقی می‌شود. در عین حال، تشهیر مجرمین استثنای بر اصل مزبور است. در برخی از جرائم مصلحت جامعه اسلامی اقتضا دارد تا با افشاء نمودن نوع جرم و معرفی مرتکبان به مردم از جرائم آینده آنان جلوگیری شود. موارد کاربرد تشهیر در فقه نشان می‌دهد تشهیر گاه پیامد و نتیجه اجرای برخی از مجازات‌ها است چنان‌که در اجرای حد زنا، سرقت و محاربه مشاهده می‌شود و گاهی خود نوعی از مجازات است که بر مجرمین باید تحمیل شود چه آنکه همراه با مجازات دیگر باشد و یا به طور مستقل به کار گرفته شود.

۱-۱. تشهیر در حد زنا

یکی از مواردی که باید مردم در اجرا آن حضور داشته و در آن سهم بگیرند، اجرای



حد زنا است. تمامی فقها بر این مسئله تأکید ورزیده‌اند تا جایی که مرحوم صاحب جواهر فراتر از اجماع فقها مخالفی در این مسئله نمی‌بیند (نجفی، ۱۳۶۷، ج ۴۱: مستندات این نظریه قرآن کریم و روایات هست که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود. قرآن کریم در مورد مجازات زناکاران، می‌فرماید: «وَلْيَشْهَدْ عَذَابُهُمَا طَائِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ» (نور: ۲). باید مجازات شدن مرد وزن زناکار را گروهی از مؤمنین ببینند. در سیره امیرالمؤمنین علی^(ع) نیز دو مورد از اجرای حد زنا نقل شده است که آن حضرت مردم را دعوت به حضور در صحنه اجرا حد زنا نموده است. در هر دو مورد مجرم که خود را در فشار وجدان و سنگینی گناه می‌دید داوطلبانه به منظور تطهیر از گناه اقرار می‌کند و هنگام که چهار مرتبه اقرار تکمیل شده است، حضرت امیر دستور اجرای حدود داده است (حر عاملی، ۱۴۱۴، ج ۲۸: ۵۵).

طبیعی است که حضور مردم مؤمن باعث اعلام جرم و معرفی و رسوایی مجرم در جامعه خواهد شد از این جهت این نوع تشهیر و رسوایی را نتیجه مجازات می‌توان قلمداد نمود نه اصل مجازات. چه آنکه تمامی مجازات‌ها پیامدهای ناگواری دارد. اما نکته مهم آن است که از منظر فقهی این نوع تشهیر حکم جداگانه همراه با مجازات زنا (محصنه و یا غیر محصنه) است. حاکم اسلامی و یا مجری حدود، نباید بدون حضور مردم حد زنا را به اجرا گذارد. این نوع مجازات مانند مجازات تکمیلی در حقوق موضوعه است که حتماً همراه مجازات اصلی در حکم قاضی بیان می‌شود.

۲-۱. تشهیر در محاربه

جرم محاربه یکی از جرائم علیه امنیت است که با توجه به نوع رکن مادی و رفتار مجرمانه مجازات‌های مختلف (چون قتل، قطع دست و پا به صورت عکس، صلب و نفی بلد) را در پی دارد. هرچند تشهیر در عداد این کیفرها برشمردن نشده است اما کیفیتی که برای اجرای آن وضع شده است به نوعی اعلان و رسوای و معرفی بزهکار را در پی دارد. مجازات صلب و نفی از مجازات‌هایی است که نوع اجرای آن تشهیر را در پی دارد.

هرگاه محارب هنگام ارتکاب جرم مرتکب قتل و اخذ مال شود، تمامی فقه‌های

امامیه بر این رأیند که با وجود ولی دم اختیار قصاص و یا عفو با وی است اگر نبود حاکم اسلامی از باب اجرای حد مرتکب جرم را می‌تواند به قتل رسانده پس از آن به صلب بکشد و یا به طور زنده به صلب بکشد به هر ترتیب مجازات صلب خود تشهیر به حساب می‌آید (نجفی، ۱۳۶۷، ۵۸۹:۴۱). مرحوم فاضل لنکرانی نیز معتقد است که به صلیب کشیدن محارب پس از کشتن وی عقوبت نیست بلکه تشهیر و معرفی او به عموم مردم است (لنکرانی ۱۴۲۷ ق: ۴۷۰).

همچنین هرگاه محارب تنها به تهدید مردم دست زده باشد جرم دیگری نداشته باشد تبعید می‌گردد. شیخ طوسی در این مورد بیان داشته است «لازم است به تبعیدگاه مجرم (مرتکب محاربه) ابلاغیه‌ای صورت گیرد مبنی بر اینکه این شخص، محارب و مجازات وی تبعید بوده است. لذا لازم است از هرگونه رفت و آمد، معامله، مجالست با وی اجتناب گردد» (طوسی، ۱۴۰۷ ق: ۷۲۰). طبیعی است که نتیجه ابلاغیه مزبور، تشهیر مجرم است و این مسئله باعث می‌شود که مجرم نتواند تعامل عادی با مردم داشته باشد.

۳-۱. تشهیر در جرم قذف

قذف به معنای نسبت ناحق ارتکاب جرم منافی عفت به افراد بی‌گناه است. قذف یکی از جرائم حدی به حساب می‌آید که حیثیت معنوی اشخاص را جریحه دار می‌کند. از این جهت مرتکب جرم به دو مجازات محکوم می‌گردد: اول به هشتاد تازیانه شلاق پس از آن به تشهیر (شهید ثانی، ۱۴۱۰ ق، ج ۹: ۱۸۸). نسبت به مجازات شلاق فقهای امامیه اجماع دارند (نجفی، ۱۳۶۷، ج ۴۱: ۴۲۹). قرآن کریم به این مجازات حکم داده است «وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً» (نور: ۴). کسانی که به افراد پاکدامن نسبت ناروا می‌دهند و برای گفته‌های خود چهار نفر شاهد نیاورند به آن‌ها هشتاد تازیانه بزنند.

علاوه بر مجازات فوق، نسبت به تشهیر قاذف، دیدگاه‌های متفاوت مطرح شده است. برخی از فقها با توجه به عدم دلیل قائل به عدم جواز تشهیرند و همان ۸۰ شلاق را کافی می‌دانند مانند محقق اردبیلی (اردبیلی، ۱۴۲۱ ق، ج ۱۵۲: ۱۳). اما



برخی دیگر از فقها به تشهیر قاذف نیز فتوای داده‌اند. محقق حلی گفته است: «و یشهر القاذف؛ لتجنب الشهاده» (محقق حلی، ۱۴۰۸ ق: ج ۴: ۱۵۴). قاذف تشهیر می‌شود تا مردم از پذیرش شهادت وی خودداری نمایند. بدین معنا که با صراحت قران کریم شخصی که با تهمت و نسبت‌های ناروا آبروی مردم را می‌برد فاسق بوده یکی از پیامدهای منفی آن این است که شهادت آن‌ها قابل‌پذیرش نیست. با معرفی چنین اشخاصی به مردم، زمینه اجتناب از آن‌ها فراهم می‌شود. صاحب جواهر در تأیید نظریه فوق به (اشتراک در علت) استدلال می‌کند. وی می‌گوید همان‌گونه که شاهد دروغین به خاطر تنویر افکار و سلب اعتماد عمومی از وی، محکوم به تشهیر بود، قاذف نیز به‌عین علت باید تشهیر شود (نجفی، ۱۳۶۷، ج ۴۱: ۴۳۰). بدین ترتیب، با اعلام عمومی اولاً زمینه جبران خسارت و منزلت بزه دیده فراهم و از وی اعاده حیثیت می‌گردد و از سوی دیگر، امکان تکرار جرم مجرم تقلیل و یا سلب می‌شود.

۴-۱. تشهیر در جرم قوادی

از آن‌رو که نظام عدالت کیفری اسلام نظام دینی است، تأمین سلامت اخلاقی جامعه هدف مهم در این نظام به حساب می‌آید. قوادی به معنای رساندن دو فرد به منظور ارتکاب رفتار خلاف عفت (نجفی، ۱۳۶۷، ج ۴۱: ۳۹۹). لذا جرم انگاری شده است تا زمینه کنترل اجتماعی بر چنین رفتاری فراهم شود. یکی از ابزارهای مهم برای کنترل رفتار این‌گونه افراد «تشهیر» است. بدین‌سان، از منظر بسیاری از فقهای امامیه علاوه بر ۷۵ ضربه شلاق به‌منظور تشدید بازدارندگی از جرم، این‌گونه افراد باید تشهیر شوند تا کنترل اجتماعی نسبت به رفتار چنین افرادی بیشتر شود. علاوه بر آن مرحوم شیخ طوسی معتقد است: «چنین افرادی باید علاوه بر تحمّل ۷۵ ضربه شلاق با سر تراشیده «تشهیر» و از محل و شهر زندگی خود تبعید شوند» (طوسی، ۱۴۰۷ ق: ۷۱۰). مرحوم امام خمینی علاوه بر ۷۵ ضربه شلاق به تبعید قواد نیز فتوای داده است (خمینی، ۱۳۹۲، ج ۴: ۲۵۰). اما فتوای تشهیر مجرم را در وضعیت سر تراشیده به مشهور نسبت می‌دهد. فاضل لنکرانی، در توضیح این نسبت می‌گوید: «هرچند

مستند روایی خاصی در این زمینه وجود ندارد ولی موافقت مشهور به معنای وجود دلیل معتبری است که به ما نرسیده است به خصوص که مرحوم ابن ادریس که به خبر واحد فتوا نمی‌دهد، این نوع مجازات را تجویز نموده است» (لنکرانی، ۱۴۲۷: ۳۵۲). درواقع مشهور فقهای امامیه چهار نوع مجازات را برای مجرمین قوادی تجویز نموده‌اند، ۷۵ ضربه شلاق، تبعید، تراشیدن سر و تشهیر.

۵-۱. تشهیر در جرم احتیال

احتیال در لغت به معنای چاره‌اندیشی و دقت نظر آمده است (فراهیدی، ۱۴۱۴ ق، ج ۳: ۲۹۷). در کاربرد حقوق کیفری، نیرنگ، فریبکاری، کلاهبرداری و در اصطلاح فقهی، توسل به وسایل متقلبانه برای ربودن مال غیراست. به عبارتی؛ تحصیل نامشروع اموال دیگران از طریق حيله و تزویر است که به نحوی اکل مال به باطل بوده و جرم به حساب می‌آید. بنابراین جرم احتیال از زمره جرائم علیه اموال به حساب می‌آید. از منظر فقهی، چنین کسانی هم مسئولیت مدنی و هم مسئولیت کیفری دارند. از یک طرف مدیون حقوق اذ دست‌رفته مردم‌اند و از سوی دیگر به منظور افشای هویت آنان و جلوگیری از تکرار جرم «تشهیر» می‌شوند. مرحوم شیخ طوسی بیان داشته است: «کسی که اموال مردم را با مکر و فریب به دست می‌آورند الزاماً باید تأدیب و تعزیر شوند. و او ملزم است که اموال مردم را به‌طور کامل برگرداند. سزا است که حاکم اسلامی چنین افرادی را تشهیر کند تا مانع از ارتکاب جرم توسط دیگران شود» (طوسی، ۱۴۰۷ ق: ۷۲۱-۷۲۲). صاحب جواهر معتقد است که اگر مصلحت جامعه اقتضا کند تشهیر می‌شود؛ بنابراین حکم به تشهیر الزامی نیست بلکه اجرای آن را مصالح جامعه تعیین می‌کند (نجفی، ۱۳۶۷، ج ۴۱: ۵۹۸-۵۹۹).

۶-۱. تشهیر در شهادت کذب

شهادت یکی از ادله اثبات در امور کیفری است که ادای کذب آن ممکن است جان، آبرو و اموال مردم را با خطر مواجه سازد. این رفتار درعین حال از گناهان کبیره به حساب می‌آید (خویی، ۱۴۳۰ ق، ج ۴۱: ۱۸۹). با صدور حکم بر مبنای شهادت کذب، تضلیل قضایی و برچسب مجرمانه پیامد طبیعی آن است. از این رو شهادت



کذب جرم انگاری شده تا مانع از تضلیل قضا و صدور به ناحق احکام کیفری شود. تشهیر شاهد کذب که در فقه به عنوان «شاهد زور» مشهور است تنها موردی است که نسبت به آن نص شرعی وجود داشته و اکثر فقها بر آن فتوا داده اند. مرحوم شیخ طوسی در این زمینه بیان داشته است که: «شاهد زور (شاهد دروغگو) تعزیر و تشهیر می شود. بدون اختلاف فتوا میان فقها» (طوسی، ۱۴۰۷ ق: ۳۳۸). مرحوم صاحب جواهر پس از آنکه تشهیر شاهد دروغین را واجب و الزامی دانسته است می نویسد که این امر به خاطر بازداشتن افراد دیگر از این گونه رفتار است (نجفی ۱۳۶۷، ۴۱: ۲۵۲). در واقع تشهیر از یک سو تشفی خاطر زیان دیده و جبران ضرر حیثیتی و آبرویی وی است و از سوی دیگر با تشهیر شاهد کاذب شخصیت اجتماعی وی نابود شده این امر مانع از ارتکاب چنین جرمی توسط دیگران می شود. همچنان شخص شاهد زور به راحتی دست به ارتکاب چنین رفتاری نمی زند. زیرا در زندگی اجتماعی بسیاری از رفتارهای ما را قضاوت مردم جهت گیری و ارزش گذاری می کند. همین امر باعث جلوگیری از رفتار ناپسند می شود.

۷-۱. تشهیر در جرم تدلیس

تدلیس عبارت است از مخفی نمودن عیب و نقص چیزی که مورد معامله و یا یکی از عقود دیگر قرار گیرد. به عنوان مثال تدلیس در معامله عبارت است از مخفی نمودن عیب و نقص جنس از مشتری (فراهیدی، ۱۴۱۴ ق، ج ۷: ۲۲۸). عنوان مزبور در اصطلاحات فقهی نیز به همان معنای لغوی به کار رفته است. هر چند برخی از فقها علاوه بر کتمان عیب، کتمان برخی از صفات و یا افزایش صفات دروغین که باعث افزایش قیمت شود را نیز به عنوان تدلیس بر شمرده اند. در واقع کتمان هر عیب و یا توصیف دروغین که در کاهش قیمت و یا افزایش آن تأثیر داشته باشد تدلیس به حساب می آید (خمینی، ۱۳۹۲، ج ۲: ۳۶۴). تدلیس مفهومی چندوجهی و با کاربردهای چندگانه است و در ابواب مختلف فقهی مانند نکاح، بیع، اجاره و... از آن بحث شده است. فارغ از مسئولیت مدنی و حقوقی تدلیس، در این مقام، مسئولیت کیفری مدلس (تدلیس کننده) قابل بررسی است. از این منظر، به مجازاتی همانند مجازات مرتکب

جرم احتیال محکوم می‌شود. برخی از فقه‌های امامیه تدلیس در معامله و اموال را در حکم احتیال دانسته مجازات همسانی را برای هر دو عنوان مجرمانه پیش‌بینی نموده‌اند (مرعشی، ۱۴۰۸ ق: ۲۳). بنابراین مدلس و محتال محکوم به تعزیر و در صورت اقتضای مصلحت به تشهیر نیز محکوم می‌شود.

۸-۱. تشهیر مفاسد اقتصادی

مفاسد اقتصادی شامل جرائم متعددی چون اختلاس، ارتشاء، قاپچاق کالا، تصرفات غیرقانونی در اموال دولتی، رانت‌های اطلاعاتی، و.. می‌شود. برخی از عنوان‌های مزبور مورد بحث فقها قرار گرفته است؛ اما برخی دیگر سابقه فقهی ندارد بلکه می‌توان از طریق قواعد فقهی آن‌ها را مورد بررسی قرارداد. یکی از موضوعات قابل طرح مجازات تشهیر در خصوص این دسته از بزه‌کاران و بزهکاری است. مهم‌ترین مبنای فقهی در این زمینه روایتی است که از شیوه برخورد امیرالمؤمنین علی^(ع) به عنوان حاکم جامعه با یکی از کارگزاران دولتی خویش حکایت دارد؛ هنگامی که آن حضرت از خیانت ناظر مالی بازار اهواز که «ابن هرمه» نام داشت باخبر گشت، طی نامه‌ای به «رفاعه» حاکم اهواز نوشت «هرگاه نامه مرا خواندی ابن هرمه را از کار برکنار کن و او را به مردم معرفی و در برابر آنان رسوا کن و او را به زندان بیفکن... با رسیدن روز جمعه او را از زندان درآورده، ۳۵ تازیانه به او بزن و او را در بازار بگردان» (ابن حیون، ۱۳۷۳، ج ۲: ۵۳۲).

هم‌چنین آن حضرت در نامه ۵۳ نهج البلاغه که معروف به فرمان به مالک اشتر است در مورد جرم کارگزاران حکومت می‌فرماید: «فَإِنْ أَحَدٌ مِنْهُمْ بَسَطَ يَدَهُ إِلَى خِيَانَةٍ اجْتَمَعَتْ بِهَا عَلَيْهِ عِنْدَكَ أَخْبَارُ عُيُونِكَ اِكْتَفَيْتَ بِذَلِكَ شَاهِدًا، فَبَسَطْتَ عَلَيْهِ الْعُقُوبَةَ فِي بَدَنِهِ، وَ أَخَذْتَهُ بِمَا أَصَابَ مِنْ عَمَلِهِ، ثُمَّ نَصَبْتَهُ بِمَقَامِ الْمَذَلَّةِ، وَ سَمَّمْتَهُ بِالْخِيَانَةِ، وَ قَلَّدْتَهُ عَارَ التَّهْمَةِ»؛ اگر یکی از آنان دست به خیانت دراز کند و مأموران مخفی تو بالاتفاق خیانتش را گزارش نمایند، نباید اکتفای به همین گزارش تو را بس باشد، بلکه او را به جرم خیانت، کیفر بدنی بده، و وی را به اندازة عمل ناپسندش عقوبت کن، و سپس او را به مرحله ذلت و خواری بنشان، و داغ خیانت را بر او بگذار،



و گردنبنده عار و بدنامی را به گردنش بینداز» (نهج البلاغه، نامه ۵۳). در این فرمان هرچند به مجازات تشهیر تصریح نشده است اما بدنام و ذلیل نمودن در صورتی مفهوم می‌یابد که شخص در جامعه بوده برای خود شخصیت اجتماعی قائل باشد. همانند ناظر مالی بازار اهواز در زمان حضرت امیرالمؤمنین علی^(ع) از سویی دیگر، ننگ و بدنامی اجتماعی پیامد طبیعی تشهیر است. بنابراین، احادیث مزبور می‌تواند مبنای برای جرم‌انگاری تشهیر مجرم اقتصادی باشد.

۲. مبانی فقهی تشهیر

تا حدودی از مجاری یادشده می‌توان به مبانی و یا حکمت‌های تشهیر در فقه اسلامی دست‌یافت که به چند نمونه از آن اشاره می‌شود.

۱-۲. روایات

در پیگیری روایات درمجموع به سه روایت از سماعه بن مهران، غیاث بن ابراهیم و عبدالله بن سنان درباره تشهیر «شاهد زور» (شاهد دروغین) برمی‌خوریم که همگی از امام صادق^(ع) نقل حدیث می‌کنند.

روایت اول: موثقه سماعه: محمد بن یحیی عن... عن سماعه عن أبي عبد الله (عليه السلام) «قال: شهد الزور يجلدون حدًا وليس له وقت، ذلک إلى الإمام، ويطاف بهم حتى يعرفوا ولا يعودوا...» (حرعاملی، ۱۴۱۴ ق، ج ۲۷: ۳۳۳). امام صادق^(ع) فرمود: شاهدان دروغین تعزیر می‌شوند، انتخاب مقدارشلاق و زمان انجام آن در اختیار امام مسلمین است همچنین آنها تشهیر می‌شوند تا مورد شناسایی مردم قرارگرفته به تکرار جرم دست نه زنند.

روایت دوم: غیاث بن ابراهیم عن الصادق^(ع): «أنّ علیاً علیه السلام کان إذا أخذ شاهد الزور، فإن کان غریباً بعث به إلى حیه، وإن کان سوقياً بعث [به] إلى سوقه فطیف به، ثمّ یحبسه أياماً، ثمّ یخلّی سبیله» (حرعاملی، ۱۴۱۴ ق، ج ۲۷: ۳۳۴). غیاث بن ابراهیم از امام صادق^(ع) وایشان از امام امیرالمؤمنین علی^(ع) نقل می‌کند که آن حضرت هرگاه شاهد دروغگوارا دستگیر می‌کرد، در صورتی که از افراد خارج

از شهر بود به منطقه و محل زندگی اش می‌فرستاد و اگر افراد شهری بود به شهرش می‌فرستاد و آنها را در شهر می‌گرداند. پس از آن حبس نموده و مدتی بعد آنها را رها می‌کرد. این حدیث نشان می‌دهد که تشهیر و زندان نمودن شاهد دروغگو به عنوان تعزیر توسط امیر المؤمنین امر جاری بوده است

روایت سوم: نیز در مورد شاهد دروغین است که از امام صادق^(ع) نقل شده است و امام به دو نوع مجازات دستور می‌دهد. از عبد الله بن سنان و سماعة از امام الصادق علیه السلام: «إنَّ شهود الزور يجلدون فيه جلدًا ليس له وقت و ذلك إلى الإمام، و يطاف بهم حتى يعرفهم الناس» (حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۲۷: ۲۳۴). در این حدیث امام صادق^(ع) می‌فرماید: شاهدان زور (دروغین) محکوم به شلاق می‌شوند که زمان و اندازه آن از اختیارات حاکم اسلامی است همچنین آنها تشهیر می‌شوند تا مردم آنها را بشناسند.

از این جهت مرحوم شیخ طوسی در مورد تعزیر و تشهیر شاهد دروغین ادعای عدم خلاف بین فقها دارد. ایشان می‌گوید: «شاهد الزور یعزّر و یشهرّ بلا خلاف» (طوسی، ۱۴۰۷ق: ۲۴۰). این دیدگاه مورد تأیید تمامی فقها قرار گرفته است (نجفی، ۱۳۶۷، ۴۱: ۲۵۲). بنابراین تشهیر شاهد زور مبتنی بر روایات مزبور است. گفتنی است در ابواب فقهی تنها تشهیر شاهد زور مبتنی بر روایات است در ابواب دیگر مورد روایی که به تشهیر حکم نموده باشد دیده نمی‌شود.

۲-۲. مصلحت

نظام حقوقی اسلام با توجه به مصالح و منافع فردی و اجتماعی نظام کیفری دوگانه را ارائه نموده است. برای مصالح ثابت و تغییرناپذیر مجازات ثابت حدود و قصاص را پیش‌بینی نموده و برای مصالح کم‌اهمیت‌تر که متأثر از شرایط زمان و مکان و ویژگی‌های مجرم می‌شود مجازات غیرثابت و تغییرپذیر را پیش‌بینی نموده است که به آن «تعزیرات» گفته می‌شود. بنابراین در مجازات تعزیری عنصر «مصلحت» تعیین‌کننده است. از این جهت برخی از فقها معتقدند در صورتی که مصلحت اقتضا کند حاکم اسلامی می‌تواند مجازات تشهیر را انتخاب نماید.



چنانچه دیدیم بسیاری از فقها در مورد احتیال (کلاهبرداری) و تدلیس علاوه بر جبران خسارت مالی زیان دیده به عنوان مسئولیت کیفری شخص نیرنگ کننده به «تشهیر» وی نیز حکم نموده اند (طوسی، ۱۴۰۷ ق: ۷۲۱-۷۲۲). صاحب جواهر پس از تأیید اصل دیدگاه مرحوم شیخ طوسی می گوید: «تشهیر محتال مبتنی بر مصلحت است در صورتی که حاکم اسلامی چنان مصلحتی را تشخیص دهد می تواند به آن اقدام نماید» (نجفی، ۴۱، ۱۳۶۷: ۵۹۸). بنابراین، مسئولیت کیفری هر احتیال و تدلیس الزاماً تشهیر نیست. زیرا تشهیر هر چند تعزیر است اما در نوع خود مجازات شدید به حساب می آید. مرتکب معاصی را از منزلت اجتماعی ساقط نموده فرصت های تعامل عادی را از وی سلب می کند. بدون اقتضای مصلحت ملزومه نمی توان به آن حکم داد.

طبیعی است که چپستی مصلحت امری خارج از این مقال است اما به طور مختصر به نقل قولی بسنده می شود. یکی از مراجع تقلید می گوید: «در فقه اهل بیت^(ع) مفهوم مصلحت با توجه به سه محور قابل دستیابی است اول: حفظ نظام و حکومت اسلامی؛ دوم: حفظ نظم جامعه. بر اساس این دو نوع مصلحت، بسیاری از احکام مستحدثه شکل می گیرد، زیرا حفظ نظام و نظم جامعه از مهم ترین اهداف اسلام است که انحراف از آن جایز نیست؛ سوم: آنچه مربوط به تعارض اهم و مهم است؛ یعنی هرگاه دو مصلحت که مورد توجه و قبول فقه اسلام است، در مقابل یکدیگر قرار گیرند، باید مصلحت اهم را ترجیح داد و مهم را فدای آن کرد» (شیرازی، ۱۴۲۷ ق، ج ۳: ۵۶۵). بنابراین انتخاب نوع تعزیر وابسته به متغیرهای چون: نوع جرم، تناسب جرم و مجازات، اقتضای زمان، شخصیت مجرم و اثر تعزیر است. نه امر سلیقه ای و استبدادی.

۳-۲. علت مشترک

در برخی از مجاری تشهیر گاهی هم سنخ بودن و اشتراک در علت مبنای مشروعیت تشهیر تلقی می شود. به عنوان نمونه «قذف» یکی از جرائم حدی است که مجازات آن به صراحت قرآن کریم ۸۰ شلاق است. علاوه بر آن برخی از فقها حکم به تشهیر

قاذف داده‌اند بدین استدلال که قذف و شهادت زور هم علت‌اند یعنی تهمت و نسبت ناروا به فرد بی‌گناه به‌گونه‌ای شهادت زور و ناحق است. از سوی دیگر تشهیر شاهد زور به‌منظور «شناخت مردم عدم اطمینان به او و اجتناب از پذیرش گواهی‌اش» امری مشروع قلمداد می‌گردد به همین علت تشهیر قاذف نیز امر جایز و مشروع است تا مردم قاذف را شناخته به گفته‌های او اعتماد نکنند. صاحب جواهر می‌نویسد: «قاذف به دلیل اشتراک در علت همانند شاهد دروغین تشهیر می‌شود تا مردم نسبت به او شناخت پیدا نموده و از پذیرش شهادت وی اجتناب نمایند. این دیدگاه مورد تأیید بسیاری از فقها است» (نجفی، ۱۳۶۷، ۴۱: ۴۳۰). مرحوم سبزواری اشتراک در علت را امر قطعی دانسته می‌گوید: «قاذف همانند شاهد دروغین به تشهیر محکوم می‌گردد. زیرا قطعاً علت جواز تشهیر در هر دو یکسان است» (سبزواری، ۱۴۱۳، ج ۲۸: ۲۵). لازم به ذکر است که ایشان در کتاب «الشهادات» «قذف» را به منزله «اقامه بینه توسط قاذف» بر ارتکاب هر آنچه در ضمن قذف گفته است، بر شمرده و آن را از سنخ شهادت تلقی نموده‌اند.

۳. مبانی حقوقی تشهیر

با توجه به آنکه «تشهیر» از مجازات شدید به حساب می‌آید طرح اندیشه حقوقی که این نوع مجازات را خارج از آموزه‌های دینی توجیه کند، ضروری به نظر می‌رسد. بدین سان به دو نمونه اندیشه‌های بنیادین حقوقی اشاره می‌شود.

۳-۱. مبانی مدیریت خطر جرم

تاریخ اندیشه‌های کیفری نشان می‌دهد که اندیشه‌ها و دیدگاه‌های مختلفی در تحول و شکوفایی نظام عدالت کیفری نقش داشته است. اندیشه‌ها از سزا دهی به بازپروری و امروزه به امنیت مدار کردن عدالت کیفری سیر نموده است. یکی از مدل‌های امنیت مدار «عدالت سنجی» و یا «عدالت آماری» است. گفتمان عدالت آماری، تعریف رویکردی است که در آن تلاش می‌شود تا با استفاده از روش‌های آماری، به تخمین احتمال تکرار جرم بزه‌کاران پرداخته شود. بدین ترتیب «اصلاح مستمر»



جای خود را به «کنترل مستمر» داده است. در این رویکرد، مدیریت خطر بزهکاری معیار واکنش بوده، نظارت و کنترل گروه‌های خطرناک در دستور کار قرار می‌گیرد تا سیاست جنایی اصلاح و درمان جای خود را به سیاست جنایی ریسک مدار دهد. این سیاست جنایی در صدد کاهش و کنترل «خطر بزهکاری» است و اهدافی چون طرد، خنثی‌سازی و سلب توان از بزه‌کاران را پیگیری می‌کند (قاسمی، ۱۳۸۷: ۱۹۵). بدین‌سان بر اساس ارزیابی آماری از تکرار جرم ضمانت اجرای توان‌گیر، در مورد مجرمان خطرناک استفاده می‌شود.

۲-۳. عدالت کیفری آماری و تشهیر مجرمان خطرناک

عدالت کیفری محاسبه‌گر در صورتی ضمانت اجرای تشهیر را توجیه می‌کند که خطر ارتکاب جرم در آینده وجود داشته باشد در آن صورت می‌توان گفت مناسب‌ترین ضمانت اجرا، توان‌گیری مجرم از طریق معرفی وی به مردم است. توان‌گیری نیز عبارت است از «دور کردن یک محرم معین از جامعه‌ای بزرگ‌تر تا بدین‌وسیله از ارتکاب جرم از سوی وی در آینده ممانعت به عمل آید» (آقای جنت مکان، ۱۳۹۰ ج ۲: ۱۹۲). هدف توان‌گیری جلوگیری از فرصت تکرار جرم است تا از این رهگذر امنیت اجتماعی تأمین و خطر ارتکاب جرم کاهش یابد.

دکتر «هازل کمشال» استاد دانشگاه دوونتفورد انگلستان در مقاله خود تحت عنوان «نظارت عمومی، مشارکت و خطر جرم» می‌نویسد: «یکی از نتایج مهم تأکید بر مدیریت و نظارت و کنترل خطر جرم، افزایش رویه اطلاع‌رسانی مشخصات هویتی مربوط به مجرمین جنسی (به‌ویژه مجرمان جنسی علیه کودکان)، به مراکز پلیس محلی، همسایگان و حتی عموم افراد جامعه از جانب مقامات رسمی است. درواقع اطلاع‌رسانی عمومی و تشهیر، در حال حاضر در ایالات متحده تحت عنوان «قانون مگان» مصوب ۱۹۹۶ م در مواردی که ضرورت حکم می‌کند و برای امنیت عمومی مفید است، اجباری بوده و حداقل در شانزده ایالت، به‌طور معمول و روتین، اسامی مجرمان جنسی بر روی اینترنت لیست می‌شود» (مرتاضی، ۱۳۹۵: ۱۵۱). گفتنی است که ایالات که اطلاعات هویتی برخی از مجرمان را در سایت‌های اینترنتی قرار

می‌دهند تا سبب افزایش پیدا نموده است. حتی ایالت کانزاس هویت مرتکبان جرائم خش (مانند قتل، آدم‌ربایی) و جرائم مربوط به مواد مخدر را نیز در وبسایتی قرار می‌دهند هرچند دسترسی به آن در شعاع خاص و توسط افراد خاص است.

۳-۳. پیشگیری وضعی از جرم

واژه «وضعیت» در جرم‌شناسی به زمینه‌ای اشاره دارد که رفتار در آن روی می‌دهد. نظریات جرم‌شناسی مبتنی بر «وضعیت» بر این فرض استوار است که وضعیت و شرایط به مجرمان انگیزه دارد، فرصت ارتکاب جرم می‌دهد. از این رو گفته‌اند «جرائم، کاملاً فرصت طلبانه هستند». بنابراین یکی از راه‌های مبارزه با بزهکاری، از بین بردن فرصت و زمینه و موقعیت‌هایی است که سبب ارتکاب جرم می‌شود. به این امر در جرم‌شناسی پیشگیرانه «پیشگیری وضعی» اطلاق می‌شود. لذا برخی از نویسندگان به این باورند که: «نظریه پیشگیری وضعی به یک روش خاص اشاره دارد که هدف آن متعالی کردن جامعه و نهادهای آن نیست بلکه به طور ساده بر کاهش دادن فرصت‌ها و موقعیت‌های ارتکاب جرم تکیه دارد» (صفاری، ۱۳۸۰: ۲۹۲).

بنابراین در پیشگیری وضعی هدف تأمین امنیت، افزایش کیفیت آن و جلب رضایت و اعتماد اعضای جامعه در فضا و مکان‌های عمومی است. در این گونه پیشگیری دولت با آگاه‌سازی مردم نسبت به مناطق جرم خیز، محله‌های خطرناک، روش‌های دفاع شخصی از جان مال خود را به مردم آموزش داده و آنها را به مشارکت کنترل جرم تشویق نموده، خطر ارتکاب جرم و تکرار جرم را کاهش می‌دهد. به طور کلی، هدف در پیشگیری وضعی، ایجاد وضعیتی است که در آن مجرم هرچند مصمم به ارتکاب جرم، از اجرای قصد خود ناتوان گردد (میرخلیلی، ۱۳۸۸: ۲۳). در این رهیافت از پیشگیری، روش‌های مختلف به کار گرفته می‌شود یکی از آنها، پیشگیری وضعی از طریق لطمه زدن به شهرت مجرم است. گاهی مرتکب جرم با استفاده از شهرت خود، قربانیان جرم را اغوا نموده، مقاصد مجرمانه خویش را عملی می‌سازد. با افشای هویت او از طریق رسانه‌ها و مطبوعات می‌توان «وضعیت» بزه دیدگان را از «عدم شناخت و آگاهی» به «شناخت و آگاهی» تغییر داد و فرصت تکرار جرم



را از مجرمان سلب و آماج و اهداف جرم را مصون نمود. گاهی بزهکاران به لحاظ اینکه سوابقشان نامعلوم است، مورد اعتماد واقع شده از این موقعیت سوءاستفاده کرده دست به ارتکاب جرم می‌زنند. این جرائم غالباً علیه اموال چون خیانت‌درامانت و کلاهبرداری و گاهی در شکل جرائم علیه اشخاص و عفت عمومی خودنمایی می‌کنند. ازاین‌رو اعلان هویت چنین مجرمان فرصت ارتکاب جرم را کاهش می‌دهد.

۴. مجازات تشهیر در حقوق معاصر

مجازات تشهیر در حقوق معاصر به عنوان یکی از روش‌های تنبیهی و پیشگیرانه، جایگاه ویژه‌ای یافته است. این نوع مجازات که ریشه در فقه اسلامی دارد، به معنای اعلام عمومی جرم و معرفی مجرم به مردم است. در حقوق مدرن، تشهیر به عنوان ابزاری برای افزایش شفافیت و مسئولیت‌پذیری در جامعه مورد استفاده قرار می‌گیرد. با این حال، کاربرد آن نیازمند بررسی‌های دقیق حقوقی و اخلاقی است تا از هرگونه سوءاستفاده و تضییع حقوق افراد جلوگیری شود. بررسی مجازات تشهیر در حقوق معاصر می‌تواند به درک بهتر از نقش آن در سیستم‌های قضایی و تأثیرات آن بر جامعه کمک کند.

۴-۱. تشهیر در نظام‌های کیفری غیر اسلامی

تشهیر یکی از مجازات‌هایی است که غالباً در قوانین جزای کشورها ازجمله مجازات‌های تکمیلی شمرده می‌شود. در سطح جهانی، برناربولک می‌نویسد: «اجرای برخی از مجازات‌ها در ملأعام هرچند در زمان‌های قبل رایج بوده است اما حقوق امروزی نیز ابایی در لطمه زدن به شهرت و مفتضح کردن مجرم ندارد. این امر از طریق اطلاع‌رسانی عمومی از طریق رسانه‌های نوشتاری، صوتی و تصویری تحقق پیدا می‌کند. اعلان و نشر محکومیت ممکن است یک ضمانت اجرا با کارایی کم به نظر برسد لیکن درواقع در قلمرو حقوق کار، حقوق اقتصادی، حقوق مصرف و مطمئناً در سایر بخش‌ها بسیار مفید است؛ در وهله اول، شهروندان را از جرم ارتكابی مطلع و اشخاص ثالث را تشویق به احتیاط بیشتر می‌کند، یک تبلیغ متقابل

(ضدتبلیغ) است که بزهکاران حرفه‌ای راضی به آن نیستند و بالاخره توجه مردم را به نقض قانون و ضمانت اجرای عملی جلب می‌کند. چنین اقدامی برای جامعه، گران تمام نمی‌شود، در صورتی که برای محکوم دارای هزینه بوده و گران است» (بولک، ۱۳۵۸: ۷۲).

امروزه در قوانین بسیاری از کشورها انتشار هویت مجرمان خطرناک دیده می‌شود. به‌عنوان مثال، قانون «مگان» مصوب ۱۹۹۶ در ایالات متحده به انتشار هویت مرتکبان جرائم خشن در ایالت کانزاس اشاره دارد و به‌عنوان یکی از روش‌های کیفر دهی محسوب می‌شود (مرتاضی، ۱۳۹۵: ۱۵۲). همچنین، قوانین ایالتی و فدرال کانادا به نهادهای مسئول اجرای قانون اجازه می‌دهد تا نام و اطلاعات شخصی افرادی که برای جامعه خطرناک تشخیص داده می‌شوند را به‌منظور حفظ امنیت عمومی منتشر کنند. در این زمینه، حریم خصوصی اطفال بزهکار از حمایت بیشتری برخوردار است (نوبهار، ۱۳۸۷: ۲۶۸). از همین را تشهیر به رغم اینکه جزء واکنش های کیفری محسوب می شود، اما با محدودیت هایی نیز مواجه است.

۲-۴. تشهیر در حقوق کیفری کشورهای اسلامی

با توجه به اینکه حقوق کیفری کشورهای اسلامی متأثر از فقه اسلامی بوده مجازات تشهیر در آن قابل تردید نیست هرچند در جهان اسلام نسبت به اجرای آن تردیدهای وجود داشته است. قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ جمهوری اسلامی ایران در دو مورد به موضوع تشهیر پرداخته است. در ماده ۳۶ انتشار اسامی مفسدان را به‌طور صریح و روشن به‌عنوان یکی از مجازات‌های اصلی برشمرده است. در ماده ۲۳ تشهیر را به‌عنوان مجازات تکمیلی به رسمیت شناخته است.

کود جزای افغانستان هرچند عمر کوتاهی را تجربه کرده و اکنون به فراموشی سپرده شده است. تشهیر را به‌عنوان یکی از مصادیق مجازات تکمیلی به رسمیت شناخته و در ماده ۱۸۳ به موارد تشهیر چنین تصریح می‌دارد: «(۱) محکمه می‌تواند، نشر حکم را در رسانه‌های همگانی به حیث جزای تکمیلی در فیصله تصریح نماید. (۲) حکم تا زمان قطعیت فیصله نشر شده نمی‌تواند. این اقدام مانع برگزاری



محاکمه علنی و نشر جریان قضیه از طرف رسانه‌های همگانی شده نمی‌تواند. (۳) در جرائم تجاوز جنسی، قذف، توهین و دشنام، موافقت مجنی علیه در افشاء و نشر حکم حتمی است. (۴) هرگاه جرم قذف، توهین و دشنام از طریق رسانه‌ها صورت گرفته باشد، محکمه به نشر آن با رعایت حکم فقره‌های (۲) و (۳) این ماده توسط همان رسانه حکم می‌نماید.

۵. جایگاه تشهیر در طبقه‌بندی مجازات

در حقوق کیفری اسلام مجازات‌ها از منظرهای متفاوت قابل تقسیم است، یکی از آنها تقسیم مجازات‌ها بر اساس نسبت آنها با یکدیگر است. از این منظر، مجازات‌ها به سه دسته اصلی، تبعی، و تکمیلی تقسیم می‌شود. مجازات‌های اصلی مجازاتی‌اند که در صورت اثبات جرم مجازات معین داشته و تابع مجازات دیگر نباشد مانند قصاص، حدود، تعزیر و دیات.

مجازات تبعی، مجازاتی است که به‌طور خودکار بدون ذکر در دادنامه بر جرم ارتكابی مترتب می‌شود. مانند سقوط ولایت بر فرزندان، ممنوعیت از برخی تصرفات مالی، محرومیت از ارث. ممنوعیت از برخی مناصب و مقامات. نوع دیگر از مجازات‌ها، مجازات‌های تکمیلی یا تنمیمی است این نوع از مجازات باید در حکم محکمه بیان شود. بدون ذکر در حکم محکمه قابل تطبیق نیست. این نوع از مجازات خود بردو قسم الزامی و اختیاری تقسیم می‌شود (ساریخانی، ۱۳۹۷: ۶۳۰). تشهیر شاهد دروغ‌گو، تشهیر قاذف در صورتی که مبانی اشتراک در علت را تمام بدانیم و تشهیر مفسدان اقتصادی از نوع مجازات تکمیلی الزامی است. بدین معنا که حاکم ملزم به اجرای آن بوده اختیاری ندارد. عبارت روایت موثقه سماعه و جوب و الزام را می‌رساند در این روایت که قبلاً بیان شد آمده است که «... و یطاف بهم حتی یعرفوا و لا یعودوا...» (حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۲۷: ۳۳۳). امام صادق (ع) فرمود: شاهدان دروغین علاوه بر تعزیر تشهیر می‌شوند تا مورد شناسایی مردم قرار گرفته به تکرار جرم دست نه زنند. اما مجاری دیگر اختیاری است. مانند تشهیر قواد، مدلس و محتال. قاضی در این موارد می‌تواند علاوه بر تعزیر او را محکوم به مجازات



«تشهیر» نماید. چنین مجازاتی در اختیار قاضی است که بر اساس مصلحت به آن حکم می‌دهد.

۶. قلمرو مجازات تشهیر

با توجه به آنچه تاکنون مطرح شد سؤال فرارو آن است که بر اساس مبانی فقهی، قلمرو تشهیر را تا کجا می‌توان گسترش داد؟ آیا در غیر موارد مصرح در فقه، می‌توان به مجازات تشهیر حکم داد؟ این سؤال از آن‌رو مهم به نظر می‌رسد که امروزه برخی بنام آموزه فقهی و با انگیزه تقرّب به خداوند کوچک‌ترین لغزش را محکوم به مجازات تشهیر می‌دانند. استفاده گسترده از این تضمین کیفری و توسعه آن زمینه‌ساز نقض حقوق بزه‌کار می‌شود. به نام مبارزه با بزه‌کاری حکومت و نهاد قضایی خود در قامت بزه‌کار ظاهر می‌شود.

در پاسخ به سؤالات فوق باید گفت: مجازات‌های اسلامی در چارچوب و اصولی قابلیت اجرا دارد و متولیان امور اجرای کیفرهای اسلامی ملزم به رعایت اصول مزبور است. خودداری از زیاده‌روی، تناسب جرم و مجازات، اصل عدم تسری در مورد مجرمان (رفتار غیرعادی) احتیاط در خون، مال، عرض و آبروی افراد متهم و رعایت کرامت آن‌ها از اصول مهم دادرسی اسلامی است که حاکم اسلامی لزوماً دفاع از چنین ارزش‌ها را وظیفه خود می‌داند. از آن‌رو که انتخاب نوع مجازات‌های تعزیری به حاکم اسلامی واگذار شده است، منع وردع فقهی در گسترش مجازات تشهیر وجود ندارد؛ اما لزوم احتیاط ما را به بهره‌گیری حداقلی از مجازات تشهیر می‌رساند. بر این امر شواهدی وجود دارد که به برخی از آنها اشاره می‌شود.

۱- بررسی مبانی فقهی نشان می‌دهد که نمی‌توان بدون دلیل نسبت به تشهیر حکم داد به‌ویژه آنکه از میان مبانی سه‌گانه تنها روایات به اجماع فقهی پذیرفته شده و مبانی چون «مصلحت» و یا «اشتراک در علت» را بسیاری از فقها تردید نموده‌اند. از این جهت تنها در مورد شاهدان دروغین به اجماع دست‌یافته و به تشهیر حکم داده‌اند. به عنوان نمونه مرحوم امام خمینی تشهیر را در موارد محدود می‌پذیرد، ایشان تنها به تشهیر شاهد



زور، قوادر و قاذف حکم به تشهیر داده است (خمینی، ۱۳۹۲، ج ۲: ۲۷۱-۲۷۴). همچنین مرحوم آیت الله خویی که مبانی فقهی علما را با سبک جدید مورد بررسی قرار داده است، طبق روایت، تشهیر را تنها در شاهد دروغین می پذیرد و حکم به تشهیر را در مجاری دیگر بدون دلیل تلقی می کند (خویی، ۱۴۳۰ ق، ج ۴۱: ۳۰۵). بنابراین، تسری حکم تشهیر به غیر از موارد مصرحه نیازمند دلیل قانع کننده فقهی است که بسیاری از فقها به آن دست نیافته اند.

۲- تمامی آنچه از مجاری تشهیر در فقه بیان شد تعزیر تلفیقی است. یعنی تشهیر در کنار مجازات اصلی حد و یا تعزیر دیگر تجویز شده است. چنین مجازاتی در حقوق جزای عمومی به عنوان «مجازات تکمیلی» یاد می شود، در فقه اسلامی غیر از مجازات شاهد زور، تشهیر مجازات تکمیلی به حساب می آید. این نوع از مجازات حتی در حقوق جزای عمومی موارد محدود دارد.

۳- فلسفه تشهیر ارباب و بازدارندگی است در صورتی که محکومیت به آن گسترش یابد، اثر بازدارندگی خود را از دست می دهد و چه بسا مفسد ناشی از آن، افزون تر از فواید چنین مجازاتی بوده و نتیجه ای عکس دهد. در صوتی که مردم حساسیت لازم را از دست دهند، نه تنها از مجازات ها استقبال نمی کنند بلکه با مجرمین هم نوا خواهند شد. بنابراین، چاره ای جز اکتفا به موارد مصرح فقهی نیست.

۴- پیش از این گفته شد «تشهیر» از مجازات های تعزیری بوده شدت مجازات های حدی را ندارد. اما در نوعی خود مجازات شدید به حساب می آید. زیرا با تشهیر شخص بر چسب مجرمانه خورده تصویر مردم از شخصیت وی تغییر می کند، پس از آن، مردم او را به عنوان مجرم به حساب می آورند، همین تصویر ذهنی افراد نسبت به وی فرصت های مشروع و قانونی را از او سلب ساخته به سوی فرصت های مجرمانه سوق می دهد. بنابراین در این فرایند ساختار رسمی قدرت و نظام قضایی نیز سهمی در تکثیر جنایت کار دارد. برای پرهیز از این سهم جنائی، انتخاب مجازات مبتنی بر مصالح ضروری و حتمی جامعه امر الزامی تلقی می شود. چنین الزامی ما را به بهره گیری حداقلی از مجازات تشهیر می رساند.

نتیجه

با توجه به سوال و فرضیه پژوهش حاضر می‌توان چنین استنباط نمود که:

۱. تشهیر یکی از مجازات‌های تعزیری است که از آموزه‌های اصلی فقه اسلامی به حساب می‌آید، این نوع مجازات امروزه در حقوق موضوعه نیز طرفدارانی دارد و در حقوق کیفری بسیاری از کشورها به رسمیت شناخته شده است.
۲. فقها با توجه به اتخاذ مبانی متفاوت در حکم به تشهیر و مصادیق آن تفاوت دیدگاه دارند. برخی تنها به یک مصداق و یا مصادیق اندک رسیده‌اند. همانند مرحوم آیت‌الله خویی که تنها در جرم شهادت دروغ حکم به تشهیر مجرم داده‌اند. غالب فقها در جرائمی مجازات تشهیر را مجاز می‌دانند که از اعتماد مردم سوءاستفاده شده و یا شخصیت معنوی افراد مورد تعرض قرار گیرد.
۳. تفاوت دیدگاه فقها در حکم به تشهیر ما را به احتیاط در گسترش این نوع مجازات به موارد غیر مصرح در فقه می‌رساند. این نگرش از مبانی حقوقی تشهیر، عدالت آماری و پیشگیری وضعی نیز قابل دریافت است. بدین معنا که تنها در موارد مجرم خطرناک و جرائم اهم می‌توان به تشهیر مجرمین حکم داد.
۴. مجازات تشهیر در حقوق موضوعه یکی از مجازات‌های تکمیلی است که اشکال و قالب‌های متعددی دارد و مجازات تشهیر همراه با مجازات اصلی دیگر اجرا می‌شود.
۵. کیفر «تشهیر» در میان دیگر مجازات‌های تعزیری دارای ویژگی خاصی است که می‌بایست در رابطه با مجرم خاص اعمال گردد. به همین جهت لازم است پیش از تجویز به مختصات ویژه جرم ارتكابی، سیاست نظام کیفری در مقابله با آن جرم و در نهایت شرایط اجتماعی مجرم توجه گردد. به عنوان نمونه در جرائم منافی عفت سیاست جنایی اسلام بر بزه پوشی است. در این گونه جرائم حفظ آبروی بزه دیده در اولویت قرار دارد. اما در جرائم و مفاصد اقتصادی تشهیر مجازات کارآمد و قابل توصیه خواهد بود. در این قبیل جرائم، به خصوص بزهکاران «یقه سفید» که از موقعیت، مقام و ارتباطات سیاسی سوءاستفاده می‌کنند، خسارت مادی و معنوی جبران‌ناپذیری را برجای می‌گذارند، تشهیر می‌تواند سازوکار مناسب باشد. سیره



عملی امام علی^(ع) و روایات رسیده در خصوص تشهیر مفسدان اقتصادی این رویکرد را تأیید می‌نماید. به عبارتی؛ تشهیر در مورد مجرمان توصیه می‌شود که از اعتماد عمومی مردم سوءاستفاده می‌کند. همچنین در جرائمی که عدالت قضایی را به مخاطره می‌اندازد مانند: شهادت دروغ به‌خصوص که امروزه عده‌ای از بزه‌کاران حرفه‌ای در اطراف محاکم حضور یافته و با دریافت وجه، به نفع افرادی شهادت دروغ می‌دهند، افشای هویت و تشهیر آنان امر پسندیده و نیکو شمرده می‌شود. خارج از موارد بیان‌شده بدون اقتضای مصلحت اهم، نمی‌توان به تشهیر حکم داد.

فهرست منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی.

۱. طوسی، محمدبن حسن، (۱۴۰۷ق)، الخلاف، قم: مؤسسة النشر الإسلامی.
۲. ابن فارس، احمد، (۱۳۸۷)، معجم مقاییس الغه، قم: مؤسسه زیتون.
۳. ابن قدامه، عبد الله، (بی تا)، المغنی، بیروت: عالم الكتب،
۴. ابن منظور، جمال الدین، (۱۴۲۶ق)، لسان العرب، بیروت: دارالفکر.
۵. ابن حیون، نعمان، (۱۳۸۳)، دعائم الإسلام، مصحح آصف فیضی، قم: مؤسسة آل البيت (علیهم السلام) لإحياء التراث.
۶. اردبیلی، مقدس احمد، (۱۴۲۱ق)، مجمع الفائده والبرهان، قم: مؤسسه النشر اسلامي.
۷. اصفهانی، راغب، (۱۳۸۴)، مفردات الفاظ القرآن الکریم، قم: ذوی القربی.
۸. آقایی جنت مکانی، حسین، (۱۳۹۰)، حقوق کیفری عمومی، تهران: جنگل.
۹. بولک، برنار، (۱۳۸۵)، کیفرشناسی، مترجم: نجفی ابرند آبادی، تهران: انتشارات مجد.
۱۰. پیوندی، غلام رضا، (۱۳۹۵)، حکمت‌های کیفر در نظام جزایی اسلام، مجله حقوق اسلامی، سال سیزدهم، شماره ۴۸.
۱۱. الجوهری، اسماعیل، (۱۹۹۰م)، الصحاح، بیروت: دارالفکر.
۱۲. حرّعاملی، محمدبن حسن، (۱۴۱۴ق)، وسائل الشیعة، قم: مؤسسه‌آل البيت.
۱۳. محقق حلی، جعفر بن حسن، (۱۴۰۸ق)، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، قم: اسماعیلیان.
۱۴. خمینی، روح الله، (۱۳۹۲)، تحریر الوسیلة، قم: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی .
۱۵. خویی، سید ابوالقاسم، (۱۴۳۰ق)، مبانی تکمله المنهاج، قم: مؤسسه إحياء آثار الإمام خوئی.



۱۶. الزحیلی، وهبه، (۱۴۱۸ ق)، *الفقه الاسلامیه وادلته*، بیروت: دارالفکر المعاصر.
۱۷. ساریخانی، عادل، (۱۳۹۷)، *فقه وحقوق جزای عمومی*، قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی.
۱۸. سبزواری، عبدالاعلی، (۱۴۱۳ ق)، *مذهب الأحكام فی بیان الحلال و الحرام*، قم: مرکز نشر اسلامی.
۱۹. شهید ثانی، زین الدین، (۱۴۱۰ ق)، *الروضة البهية فی شرح اللمعة الدمشقية*، تحقیق: محمد کلانتر، قم: مکتبه الداوری.
۲۰. شیرازی، مکارم، (۱۴۲۷ ق)، *استفتاءات*، گردآورنده ابوالقاسم علیان نژادی، قم: مدرسه الإمام علی بن أبی طالب (علیه السلام).
۲۱. صفاری، علی، (۱۳۸۰)، *مبانی نظری پیش گیری از جرم*، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۳-۳۴.
۲۲. عوده، عبدالقادر، (۱۴۲۶ ق)، *التشريع الجنایی مقارنا بالقانون الوضعی*، قاهره: مکتبه التراث.
۲۳. فراهیدی، خلیل، (۱۴۱۴ ق)، *کتاب العین*، قم: اسوه.
۲۴. فیومی، احمد، (۱۹۸۷ م)، *المصباح المنیر*، بیروت: مکتبه لبنان.
۲۵. قاسمی، مقدم، (۱۳۸۷)، *رویکرد مدیریت خطر در پیش گیری از تکرار جرم*، مجموعه مقالات پیش گیری از تکرار جرم و بزه دیدگی، تهران: دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیش گیری ناجا.
۲۶. کاسانی، ابی بکر، (۱۴۲۰ ق)، *بدائع الصنائع*، بیروت: دارالمعرفه.
۲۷. لنکرانی، محمد فاضل، (۱۴۲۷ ق)، *تفصیل الشریعة کتاب الحدود*، قم: مرکز فقه الأئمة الأطهار (علیهم السلام).
۲۸. مرتاضی، احمد، (۱۳۹۵)، *اعلام عمومی مجرم (مبانی وکارکردها)*، قم: مؤسسه بوستان کتاب.



۲۹. مرعشی، ابن حمزه، (۱۴۰۸ ق)، *الوسيلة إلى نيل الفضيلة*، قم: مكتبة آية الله العظمى المرعشي النجفی.

۳۰. میرخلیلی، سید محمود، (۱۳۸۸)، *پیشگیری وضعی از بزهکاری با نگاهی به سیاست جنایی اسلام*، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

۳۱. نجفی، محمدحسن، (۱۳۶۷)، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*، تهران: المكتبة الاسلامية.

۳۲. نوبهار، رحیم، (۱۳۸۷)، *حمایت کیفری از حوزه های عمومی و خصوصی*، تهران: انتشارات جنگل.

۳۳. هاشمی شاهرودی، محمود، (۱۳۸۲ ق)، *موسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت^(ع)*، قم: موسسه آل البيت.